

نگاه من

بی نگاه مادرانه دنیا جای تلخی ست، اما...



وقتی خبر را شنیدم چند ساعت طول کشید تا توانستم هضمش کنم. شتاب سرسام آور زندگی همه ما را تبدیل به کارخانه هاین کرده است که تنها صدای چرخ دنده ها و سرعت آنها به گوش و چشم میآید.

با شنیدن خبر سرعت دست ها و پاها کم و کاست شد و مغز فرمان ایست داد تا مسیر آنتیپه را به طرفی معطوف کند که دغدغه ی زندگی کنونی کمتر به آن فرصت جلوه داده بود. برای ما که حدود ۱۸۸۹ سال را تنها دیده بودیم بدون لحظه ای توقف، مکث یک هفته، ۱۵ روزه فرصت بسیار خوبی بود برای بازنگری و داوری در مورد کارنامه خود و صادقانه بگویم آنجا که کم میآوردیم و لبه ی تیغ انتقاد از خود میخواستیم در طبع ی افسردگی روانه ما می کند، محبت ها و همفردی های بی دریغ شما نوش دارویی بود بر جراحت های ما، همیشه و امداد محبت های شما خواهیم بود و دغدغه ی زندگی مان بیش از گذشته در گرو کاری در خور شان شما.

بزرگترین آفت روح و جسم انسان تنهایی ست. مثل خوره به جانش میافتد و از درون او را خالی میکند. انسان در رابطه با دیگری / دیگران است که تمام ابعاد انسانی اش فرصت رشد و زندگی پیدا میکند. و این رابطه زمانی برقرار میشود که تو به عنوان یک انسان به دیده گرفته شوی نه پست تر و نه برتر، نه حوار و دلیل و نه اسطوره و قهرمان.

ظاهرا انسانه زن شیرینی و لکاته که زنده یاد هدایت به زیبایی در شاهکارش بوف کور آن را مطرح کرد قرار نیست به آسانی دست از سر زنان ما بردارد و شکستن این الگو که فرهنگ حاکم بر ما آن را بازتولید میکند نیز مثل آزادی که صد سال است پای پیاده و تشنه لب به دنبالش روانیم، بعید و دور از دسترس به نظر میآید.

اگر نگاه مادرانه از دنیا دریغ شود بسیار خطر آفرین است و دنیا را جای تلخ و خشنی میکند که زیستن در آن راحت نخواهد بود. اما راه نپاره این معضل آن نیست که از زنان جامعه ای بخواهیم که نقش مادر را برای کل جامعه بازی کنند. اگر پیش از این زن موظف بود که مادر فرزندان باشد و این مسئولیت خطیر تنها بر دوش او بود، حالا از او میخواهیم نه تنها مادر بچه ی خود که مادر حساسیه خود، مادر همکار خود، مادر شوهر خود، مادر رهگذری که از کوچه میگذرد و خلاصه مادر همه باشد و با گذاشتن این مسئولیت بر دوش او و پذیرش آن از سوی خودش، در واقع زن

را از ابعاد انسانی اش تهی میکنیم و به از بعدی اسطوره ای و قهرمانی میدیدیم یعنی یک بار دیگر با پذیرش این نقش زن از متن به حاشیه رانده میشویم. اما این بار نه به دلیل جنس پست تر بودن بلکه به دلیل تقسی که برای او قائل شده ایم. که البته نتیجه اش در هر دو مورد برای زن یکسان است: تنهایی و انزوا. او محصور است در تنهایی زخمهای جسم و جانش را بلبیس تا خود را برای نقشی که به او تفویض شده، و یا خود برای خود قائل شده آماده کند. چون دیگری نمیداند و یا نمیخواهد ببیند که او نیز انسان است با تمام خواسته ها و نیازهای یک انسان.

زن ایرانی بخصوص در بیست ساله ی اخیر همواره ناچار بوده که خلاف جریان آب شنا کند و با همه مصائب و مشکلاتی که پیش رو داشته تن به تسلیم ندهد! و خلاف شرایط حقوقی و فرهنگی حاکم بر جامعه کوشیده است که در حیات اجتماعی نقش فعال و تاثیر گذاری داشته باشد و همین تلاش و کوشش به دلیل نبود زمینه و بستر مادی مناسب از او چهره ای روئین تن ساخته است.

جنس قدر دانی از این تلاش اما همواره باید در نظر داشت که این شیوه ی زندگی تبدیل به الگوی زن ایرانی نشود چون ترویج این الگو یعنی این که بخشی از جامعه کودک باشد که نیاز به مراقبت و نگهداری دارد و بخشی دیگر مادر که باید همیشه مراقب و نگران باشد.

بخش کودک به دلیل کودکی اش همواره در حال کشف و تجربه و آزمایش و خطاست. و بخش مادر به دلیل مسئولیتش فرصت و امکان کشف و آموختن و تجربه کردن، اگر نگوئیم برایش مجال، که بسیار سخت و محدودست.

متأسفانه بخشی از فمینیسم بخصوص در آمریکای شمالی از الگوی غلط حاکم بر دنیا سود جست و تعبیر از فمینیسم را برابری بر پایه همان فرهنگ مردانه مسلط دانست و بر بستر همین تئوری، به راه غلط رفت و پای در همان مسیری نهاد که پیش از آن هواخواهان فرهنگ مرد محور قدم زده بودند و بر آن راه و روش کاملاً سلطه پیدا کرده بودند. و در نهایت زنان رونوشتن نه برابر اصل که ناقص از کار درآمدند و حاصلش از خود بیگانگی بیشتر و دنیای نامهربان تر شد. در حالی که منظور از فمینیسم برابری برای داشتن امکانات است، نه برابری در تخریب جهان و صادر کردن فرمان جنگ، قتل، تجاوز، تولید بی اعتمادی و ناامنی بیشتر که نگاه مسلط بر دنیا آن را تبلیغ و ترویج میکند. سیستم حاکم بر دنیا تمام تلاشش این است که با جریحه دار کردن روح زنانه جهان تابندگی بگذارد بر موجودیت تجاوزگر خود و سرنوشته انسان را زخم خورده در این راه بداند که به ارزش گذاری های غلط آن گردن بگذارد.

گزارشی از کنفرانس ادبیات و خلاقیت هنری زنان در ایران معاصر "سهم من" آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمیگیرد

فرح طاهری

farah@shahrvand.com

از شهر ناورستا، از کارگاه تا دانشگاه، بار مسئولیت زندگی و حرکت در جامعه ایران امروز را برعهده دارند.

به همت شهلا لاهیجی مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان و دکتر محمد توکلن استاد دانشگاه تورنتو و با حمایت دانشگاه تورنتو، بخش های تمدنهای خاور میانه و نزدیکه تاریخ، مطالعات تاریخی، بنیاد میراث ایرانیان، کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو و... منتخبی از زنان پژوهشگر، نویسنده، روزنامه نگار، نمایشنامه نویس و فعال

از زن ایرانی طی بیست و پنج سال گذشته آزمونی را از سر گذرانده که در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی کشور ما بی سابقه بوده است. اولین آزمون را اگر نه با موفقیت کامل، که با سرفرازی پشت سر نهاد، و به عنوان عامل تاثیر گذار در فرایند تکامل اجتماعی، جایگاه و موقعیت خود را به عنوان یکی از مهم ترین عناصر زندگی اجتماعی و سیاسی



مشارکتگران کنفرانس ادبیات و... از راست دکتر محمد توکلن، دانی کاموری، لیلی پورزند

اجتماعی در این کنفرانس به ایراد سخنرانی پرداختند. شهلا لاهیجی (پژوهشگر و فعال امور زنان و مدیر انتشارات روشنگران)، فرزانه میلانی (استاد دانشگاه از آمریکا)، زینا لاهیجی (متخصص علوم تربیتی و مدیر انتشارات روشنگران)، فیروزه صابر (کارشناس کارآفرینی زنان)، چیستا پشیری (نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر)، نوشین شاهنده (کارشناس فلسفه)، پرینوش سیمعی (قصه نویس و پژوهشگر)، مهتاز عطارها (کریس) (قصه نویس)، مهتری یلفانی (قصه نویس از کانادا) و لیلی فرهادپور (نویسنده و روزنامه نگار) سخنرانان این کنفرانس دو روزه بودند.

لیلی پورزند و نازلی کاموری از اعضای کمیته برگزارکننده برای برگزاری مناسبه این کنفرانس تلاش کردند و هر دو معرفی سخنرانان را به دو زبان انگلیسی و فارسی، به عهده داشتند. تیمی از جوانان نیز - عمدتاً از کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو - عهده دار کارهای داوطلبانه مربوط به کنفرانس از پذیرایی تا فروش کتاب، بودند.

دنیاله در صفحه ۵۸

در ایران امروز ارتقا داده است و این در حالی ست که در همین دوران با محدودیت های بسیار حقوقی، اجتماعی و اقتصادی درگیر بوده است. زنان ما در این بیست و پنج سال بسی نادانسته ها آموخته و بسی تجربه ها اندوخته اند و ندای اعتراض امروز آنان هر چند هنوز رسا نیست، اما همه گیر است و به همین دلیل خاموش شدنی نیست.

کنفرانس ادبیات و خلاقیت هنری زنان در ایران معاصر روزهای شبیه و یکشنبه ۶ و ۷ نوامبر در دانشگاه تورنتو برگزار شد.

آنچه در بالا خواندید بخشی از پیشگفتاری ست که در بروشور این کنفرانس آمد. تلاش دست اندرکاران برگزاری کنفرانس این بوده که ایرانیان خارج کشور را با نمونه ای از زنان کوشاگر درون کشور آشنا کنند. نمونه ای از زنان حقوقدان، پژوهشگر، نمایشنامه نویس، روزنامه نگار، قصه نویس، فعال اجتماعی، نویسنده و ناشر، زنانی که بدون کمک هیچ کس و هیچ نهادی خود را ساخته اند و در سراسر ایران،

RE/MAX Realtron Realty Inc.

فریبا الهی
آرشیستکنت
Ontario Building Code Certificate

Tel: (905) 764-6000
Tel: (416) 229-6090

Bayview/York Mills
خانه انفرادی و بسیار مجلل ۳۰۱ خوابه
درای ۷ بروس حمام ۹ بزرگین کامل شده
و ورودی مجزا ۲ کاروا و سوپا و کابردی زیبا
\$1,490,000

محیطه واحدی تجاری
در مرکز شهر تورنتو برای فروش
مجموعه ۳۷۴۴۱ Sq. Ft.
\$4,750,000

نیمه وام مسکن با بهترین شرایط ممکن

LEGAL EXPERTS

دکتر حقیرنی و مهاجرتی
رضا ناظر

- جرائم رانندگی
- تصادفات
- مهاجرت
- دعوتنامه
- دعاوی مدنی

Tel: 416-915-0050 Fax: 416-915-0051
آدرس جدید: 6101A Yonge St. Toronto, ON. M2M 3W2
www.rezanazer.com

شهروند سه شنبه و جمعه منتشر می شود
ناشر: انتشارات شهروند
سردبیر: حسن زرهی
مدیر تحریریه: نسرين الماسی
تحریریه: دنا ریاضی، فرح طاهری، مهران عالی پور
آگهی ها: شکبیا دیلمقانی

مدیر دفتر و نکوور: هادی ابراهیمی
مدیر دفتر دالاس (آمریکا): پروین کوه گیلانی
مدیر دفتر واشنگتن: محمود گودرزی
مدیر دفتر اروپایی: جواد طالعسی

دفتر مرکزی: 4610 Dufferin Street, Suite 208
Toronto, ON. M3H-5S4
تلفن: ۱۰۸۶-۳۳۹-۴۱۶ (۴۱۶) ۳۳۹-۶۴۱۸ فکس: (۴۱۶)
E-mail: news@shahrvand.com
Advertising E-mail: Ads@shahrvand.com
Website: www.shahrvand.com

مطالب همواره نام، نظرات نویسندگان آنها را بیان می کند و ابراماً نظر محتامی «شهروند» نیست مسئولیت اینگونه مطالب به عهده نویسنده گان آنهاست. شهروند نسبت به آگهی های چاپ شده در نشریه هیچگونه مسئولیتی را نمی پذیرد.

گزارشی از کنفرانس ادبیات و خلاقیت هنری زنان در ایران معاصر

"سهیم من" آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمیگیرد

دنیاله از صفحه 3

روز شنبه ساعت 11 صبح پس از سخنرانی گشایش توسط دکتر محمد توکلی، مراسم با سخنرانی شهلا لاهیجی آغاز شد.



شهلا لاهیجی متولد سال 1321 تهران است. فارغ التحصیل رشته جامعه شناسی از دانشگاه آزاد لندن که در خلال زندگی خود روزنامه نگاری، نویسندگی و پژوهشگری در زمینه مسائل اجتماعی زنان را تجربه کرده است. او موسس و مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان است و زن در جستجوی راهی (اصعود

و سقوط جنسیت زنان در سوسیال دمکراسی آلمانی با همکاری فریده عصارپور، سیمای زن در آثار بهرام بیضایی، شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ با همکاری مهرانگیز کار از تألیفات و ترجمه های اوست.

سخنرانی شهلا لاهیجی با عنوان زن در ایران معاصر چنین شروع شد: با آن که در سالهای اخیر موضوع جایگاه زنان در جامعه امروز ایران و تاثیر آن بر هنر، ادبیات، دین، سیاست، اقتصاد، تاریخ و... بحث داغ محافل جهانی بوده و چشم ها بیش از هر زمان دیگر به زنان در داخل مرزهای ایران دوخته شده و تمامی رفتار و گفتار زن ایرانی زیر ذره بین نقد و تجزیه و تحلیل های گوناگون قرار داشته و به رغم انبوه نوشته های مبتنی بر خبر و تحقیق، تنها از کمبودها سخن رفته و تلاش بی وقفه زنان ما برای حضور و مشارکت در تمامی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی نادیده گرفته شده است...

پرفسور فرزانه میلانی، میهمان کنفرانس از آمریکا، دومین سخنران، سخنرانی خود را به زبان انگلیسی ایراد کرد.



فرزانه میلانی در تهران متولد شده و در مدرسه فرانسوی ها تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خویش را به پایان رسانده است. در دانشگاه کالیفرنیا مدرک کارشناسی خود را در ادبیات فرانسه گرفته و سپس تحصیلات تکمیلی خود را در رشته ادبیات تطبیقی به پایان رسانده است. از پرفسور میلانی بیش از 60 کتاب و مقاله به چاپ رسیده است. وی در حال حاضر استاد دانشگاه ویرجینیا در زمینه ادبیات و مطالعات زنان است و قبل از آن در دانشگاه UCLA به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بوده است.

میلانی در سخنرانی خود از زنان نویسنده و شاعر در طول تاریخ ایران گفته. از قره

العین تا قرون فرخنده و غزاله علیرزاد. او به ستم هایی که در طول تاریخ بر این زنان رفته اشاره کرد. از کشتن قره العین، تا محدودیت ها و فشارهایی که منجر به سرگ فروغ در تصادف اتوموبیل شد، تا شرایطی که به خودکشی غزاله علیرزاد انجامید. میلانی اشاره کرد که اکثر این زنان روشنفکر در سنین جوانی ترک زندگی کرده اند. گرچه این شرایط یأس آور هرگز زنان را از پا نشاند و آنان همچنان به نوشتن و آفرینش ادامه داده و میدهند.

در پایان این بخش، فرزانه میلانی و شهلا لاهیجی در کنارهم قرار گرفتند تا به پرسش حاضران پاسخ بگویند.



سومین سخنران، زینا لاهیجی، متخصص علوم تربیتی و روانشناسی بود.

وی فارغ التحصیل علوم تربیتی از دانشگاه تهران است و سالها به عنوان کارشناس معلولان و آسیبهای اجتماعی در سازمان بهزیستی کشور فعالیت داشته است.

سخنرانی زینا لاهیجی، آسیب شناسی اجتماعی زنان در ایران امروز نام داشت. در این تحقیق مواردی همچون توسعه ی جمعیتی، آسیب شناسی زنان، اشتغال و فقر زنان، مشارکت سیاسی، خشونت خانوادگی، همسر آزاری، اعتیاد و خودکشی زنان، تحرک و طلاق آنان بررسی شده است. (متن کامل سخنرانی زینا لاهیجی را در شماره های آینده شهرتند خواهید خواند)

لاهیجی در پایان سخنانش به مسئله ای اشاره کرد که به گفته خودش جزو دغدغه هایش بود. او گفت:

اشاره من به صدا و سیمای کشور است که یکی از عوامل تاثیرگذار بر کل جامعه و بخصوص زنان است. یکی از دوستان در روزنامه ای مقاله خود را با این عنوان آغاز کرده بود "صدا و سیما زنان را به صرفه جویی در عقل تشویق میکند و ما به اندازه کافی از این مسئله در رنج هستیم. اما در مقابل پاره ای تلویزیون های ایرانی در این سر جهان چه کرده اند؟ واقعا از شما سوال میکنم آنها که در مهد آزادی فکر و اندیشه اند بیش از دو دهه چه ره آوردی به مخاطبان خود در ایران میدهند؟ غیر از این که سست های پوسیده و فرهنگی فراموش شده و یک نوستالژی بی مزه را که از ایران 25 سال پیش با خود برده اند با طاهری مفرق و بزرگ کرده و با قریان صدقه های فراوان به خورد مردم میدهند.

پس از صرف ناهار و استراحت و گپ و گفت در راهروهای سالن Center

Earth Sciences ادامه مراسم با نمایش فیلم مستند یک روز با سارا زنی از بزین پس گرفته شد.

این مستند روایت زندگی روزمره زنی از روستای بزین شهرستان خدابنده واقع در استان زنجان بود که به رغم بافت بسیار سنتی منطقه، توانسته است دیوار سنت را بشکند و شغلی را پیشه کند که حتی در شهرهای بزرگ هم در حوزه فعالیت مردان است. سارا فروشنده و تعمیرکار موتورسیکلت است و خود موتورسوار ماهری است. علاوه بر این، او کار آفرین است و روستائیان زیادی برای او کار میکنند. او سه سال متوالی کشاورز نمونه استان زنجان بوده و همچنین با گلراندن دوره آموزش مامایی روستایی نوزادان فراوانی را در روستای خود و روستاهای اطراف به دنیا آورده.

همچنین روابط بسیار خوب سارا با همسرش آنها را به یک زوج جالب تبدیل کرده، به طوری که برای انجام کارهای خانه هر کدام میخواستند از دیگری سبقت بگیرند. رهنا رئیس کارگردان این فیلم مستند بود.

در پایان فیلم شهلا لاهیجی در توضیح کوتاهی گفت که این فیلم برای اولین بار اینجا و برای شما نمایش داده شده و به طرز درخواست کرد برای آکران گسترده آن کمک کنیم تا معارج تهیه فیلم دریابید.



سخنران بعدی فیروزه صابر فارغ التحصیل رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه الزهرا و فوق لیسانس مدیریت اجرایی از سازمان مدیریت صنعتی بود.

وی تحلیقات بسیاری در زمینه کار آفرینی زنان در ایران انجام داده است. از جمله طرح ملی ترویج کار آفرینی و توان افزایش زنان کار آفرین برای وزارت کشور، طرح توان افزایش و ترویج کار آفرینی زنان فارغ التحصیل دانشگاهی برای وزارت علوم، راههای توسعه کار آفرینی زنان در ایران برای سازمان مدیریت صنعتی، بررسی نقش زنان در آموزش عالی برای وزارت علوم.

فیروزه صابر همچنین تجربه اجرای کارگاههای کار آفرینی، جستجوی فرصتهای کسب و کار، توانمندسازی زنان در عرصه مدیریت را نیز داشته است. فیروزه صابر در زمینه فعالیت خود کتاب راههای توسعه کار آفرینی زنان در ایران را تالیف و منتشر کرده است.

عنوان سخنرانی صابر کار آفرینی زنان در ایران بود.

سخنران با تسلط کامل سخنرانی خود را ارائه کرد و چند تن از زنان کار آفرین که با تلاش پیگیر در عرصه فعالیت های خود موفق شده بودند، مثال زد.

او گفت: خانم گیاهی از جمله کار آفرینانی است که در روستایی در استان خراسان توانسته است با ایجاد یک تعاونی و فعالیت های اقتصادی از جمله کشاورزی و دامداری 14 روستا را به صورت شبکه به یکدیگر وصل و برای 60 نفر از زنان روستاهای مزبور شغل ایجاد نماید...

دنیاله در صفحه 60

کالج کانادایی بیزنس

با شرکت در دوره های آموزشی و اخذ دیپلم حرفه ای مورد تایید وزارت آموزش و پرورش، جایگاهی ارزشمند در بازار کار کانادا برای خود فراهم کنید و از آرامش خیال، ایمنی شغلی و درآمد کافی بهره مند گردید.

دوره های اخذ دیپلم بازرگانی

- منشی دفتر حقوقی
- منشی امور هتل داری
- آموزشیار
- کارشناس امور جهانگردی و سفر

Business Diploma Programs

- Legal Administration
- Hotel/Motel Administration
- Education Assistant
- Travel and Tourism

ثبت و تایید شده توسط وزارت آموزش و پرورش برگزاری کلاسها در محل کالج و زیر نظر اساتید مجرب کمک مالی برای افراد زیر پوشش کمک هزینه اجتماعی (ولفرا) و بیمه بیکاری (EI) . کمک مالی برای افراد واجد شرایط

دوره های اخذ دیپلم کامپیوتر

- متخصص تجارت الکترونیکی (E-Commerce)
- برنامه نویسی کامپیوتر
- کارشناسی شبکه اینترنتی
- مهندسی شبکه
- نرم افزار بازرگانی مایکرو کامپیوتر
- حسابداری کامپیوتر
- امور دفترداری

Computer Diploma Programs

- E-Commerce Web Developer
- Computer Programming
- LAN Specialist
- Network Engineer
- Microsoft Business Application
- Computerized Accounting
- Office Administration

دوره های اخذ دیپلم بهداشت و درمان

- بیمار
- دستیار متخصص امور تغذیه
- بهداشت دهان (Certificate Program)
- دستیار دندانپزشک
- منشی دندانپزشکی
- دستیار داروساز
- کارمند دفتری آزمایشگاه پزشکی
- دستیار فیزیوتراپیست
- دستیار امور آزمایشگاهی

Health Care Diploma Programs

- Personal Support Worker
- Food Service Worker
- Dental Hygiene (Certificate Program)
- Dental Assistant
- Dental Administration
- Pharmacy Assistant
- Medical Administration
- Physiotherapist Assistant
- Occupational Therapist Assistant
- Medical Laboratory Assistant

www.cbcollege.com

The Right Choice



T: 416.961.6161/ F: 416.961.1616/ 869 Yonge St. Toronto, Ontario M4W 2H2/ E-mail: cbcollege@cbcollege.com

گزارشی از کنفرانس ادبیات و خلاقیت هنری زنان در ایران معاصر "سهم من آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمبگیرد"

دنیاله از صفحه ۵۸

از خانه که توسط نشر ایران کتاب در آمریکا منتشر شده، در ایران توسط نشر شعله اندیشه دوباره منتشر شده است. از مهری یلفانی دو مجموعه قصه کوتاه به نامهای "پرستو" و "دو خواهر و رمان افسانه" (به زبان انگلیسی) نیز منتشر شده است. یلفانی سخنرانی خود را تحت عنوان ادبیات داستانی زنان ایران در مهاجرت ایراد کرد. در بخشی از سخنانش گفت:

... نمی‌دانم شما هم شنیده اید که بعضی از سر شوخی یا طعنه می‌گویند که خارج کشور فلانی را شاعر یا نویسنده کرده است. این شبیه سازی درست مثل همان جمله ای است که در کتاب تاریخ ادبیات دبیرستانی می‌خواندیم که فلانی از قلیبری به شاعری افتاد. شاید این گفته در زمانی که شاعران از سفره خان‌ها و شاهان ارتزاق می‌کردند، مصداق داشته اما امروزه روز کسی برای هنر و هنرمند تا زمانی که نامی ندارد و شهرتی به هم نرزد، ترحم هم خرد نمی‌کنند.

هم و غم یک انسان مهاجر یا تبعیدی در ابتدای ورود به سرزمین جدید داشتن سقفی بالای سر و نان و آبن در سفره است و اگر هنری هم با خود داشته، در ماه‌ها و حتی سالهای اول مهاجرت نه فرصت پرداختن بدان را دارد و نه شرایط محیط زیست این اسکان را به او میدهد...

یلفانی یکی از چالش‌های بزرگ بر سر راه هنرمندی که در میان سالی وارد کشور جدید می‌شود را فرا گرفتن زبان جامعه میزبان خواند که به گفته او تلاش جانفرسایی ست و تمام عمر هم ادامه خواهد داشت. (متن کامل سخنرانی را در شماره های آینده شهریوند خواهید خواند)



از راسته مهری یلفانی، پرینوش صنیعی، مهناز کریمی، فرزانه میلانی



از راسته دکترا یلفانی، طهماسبی، فرزانه میلانی، شهلا لاهیجی، لیلی پورزند

پرینوش صنیعی سخنران بعدی بود. او نویسنده رمان پر فروش "سهم من" است. این کتاب در زمانی کمتر از دو سال به چاپ هشتم رسیده است. وی پژوهشگر در زمینه ی مدیریت و برنامه ریزی است و در چندین کشور و دوره های آموزشی در زمینه های فوق حضوری فعال داشته است.



پرینوش در سخنانش گفت که با چه زحمت و برارتن پژوهشی صورت گرفت و حاصل چهار جلد کتاب قطور شد. کتابهایی که به گفته او خوانندگان از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کردند.

پرینوش بعد از این تجربه که اینهمه کار و وقت صرف پژوهشی میشود که خواننده ندارد در صورتی که نتایج مهم و مفیدی در آنها هست، به این فکر می افتد که آن را به شکلی ارانه کند که خواننده داشته باشد پس به فکر می افتد که نتایج پژوهش اش را در قالب رمان بچکاند.

او حتی شخصیت های داستانش را از روی نمونه گیری های آماری اش انتخاب کرده. اینکه نام زن چه باشد، از کدام شهر بیاید، نمایندگان طبقات اجتماعی رمان اش چه کسانی باشند و ...

و به این صورت شکل گیری رمان "سهم من" را برای حضار شرح داد.

"سهم من" روایتگر زندگی زنان نسل حاضر ایران در شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی پر فراز و نشیب پنجاه سال گذشته است. نسلی که از یک سو وارث تعصبات، باورها و محدودیت سنتی بود و از سوی بنا بر جبر زمان به ناچار بار

دنیاله در صفحه ۶۲

میتوانند آن را انجام دهند، در مقابل مردان بیشتر کارگردانی و بازیگری را می‌پسندند.

در کلی پترس عرصه نمایشنامه نویسی و تئاتر را در میان زنان بسیار فعال و رو به شکوفایی دانست. او همچنین مقاله خود را به آقای جعفر والی استاد پیشکسوت تئاتر ایران که در میان حضار در سالن حضور داشت، تقدیم کرد. (متن کامل سخنرانی را در شماره های آینده شهریوند خواهید خواند)

پایان بخش روز اول کنفرانس، فیلم مستند و زیبایی از ابراهیم مختاری با نام "یک روز بخصوص" بود.

داستان فیلم یک روز از زندگی زینت دریایی، زنی از روستای سلخ از جزیره قسم را نشان میدهد. زینت کار اجتماعی خود را با برداشتن برقع (پوشش صورت برای زنان جنوب ایران) و کار در خانه بهداشت به عنوان بهروز آغاز کرد و هر چند در آغاز با مخالفت مردم و خانواده رو به رو شد اما امروز خود از آنچنان محبوبیتی برخوردار است که در انتخابات شوراهای شهر و روستا بالاترین رقم رای را از آن خود کرده است.

خانم کمانی که مدیریت یک شرکت تابلوسازی برق را به عهده دارد، یکی از سازندگان تراز اول تابلوهای توزیع نیرو در ایران است...

فیروزه صابر در این پژوهش مفصل و بسیار جذاب به موانعی که بر سر راه این زنان کارآفرین وجود داشت از جمله موانع فردی، سازمانی و محیطی اشاره کرد. (متن کامل سخنرانی را در شماره های آینده شهریوند خواهید خواند)



نوشین شاهنده جوانترین سخنران این کنفرانس، سخنرانی اش را با عنوان "کشف عرصه ای نوگشوده برای زنان" ارائه داد.

او فارغ التحصیل کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی است. حوزه ی مورد علاقه اش فلسفه و زنان است و بر اساس همین رویکرد بیشتر توان تحقیقاتی خود را در زمینه ی بررسی تفسیر فمینیستی از آرای فیلسوفان متراکز کرده است. اولین اثر تحقیقاتی وی که منتشر شده کتاب "زن در تفکر نیچه" است که در واقع پایان نامه کارشناسی ارشد او بوده است.

سخنرانی شاهنده در سه بخش زنان و ست فلسفی، زنان و تفکر فلسفی و ضرورت فلسفی حضور زنان تنظیم شده بود. شاهنده در بخشی از سخنانش گفت: اگر همچون کانت فلسفه را آموختن اندیشیدن و نه آموختن اندیشه ها بدانیم و اگر همچون هگل روش درست در تفکر فلسفی را روش بدانیم که حقیقت و بند حقیقت، درست و نادرست و خوب و بد همه را در نظر بگیرد، بدین معنا میتوان گفت که زنان همواره در متن فلسفه و تفکر فلسفی حضور داشته اند.

دیالکتیک خدایگان و بنده هگل به ما می آموزد که چگونه بنده به این دلیل که باید هم به شناسایی خدایگان و هم به شناسایی خویش پردازد و در واقع هم چشم اندازهای خدایگان و هم چشم اندازهای خودش را داشته باشد، میتواند همواره در حوزه مختلف را با یکدیگر تلفیق کند. سیمون دوبوار که برای اولین بار در کتاب جنس دوم خود، برای نشان دادن رابطه بین مرد و زن از دیالکتیک خدایگان و بنده هگل استفاده کرد، اظهار داشت که اگر چه زن به راستی بنده مرد نیست، با وجود این، حدود آگاهی و بصیرت و بینش اش همواره همچون یک برده قلندار شده و در طول تاریخ، زن نه در راستای برابری با مرد زیسته و نه برابر با او تشخیص داده و به رسمیت شناخته شده است...

پس از شاهنده، نوبت به بانوی نمایشنامه نویسی رسید. چیستا پترس نویسنده و نمایشنامه نویسی با ذکر خاطره ای سخنانش را آغاز کرد.

در راه سفر به روسیه، به دلیل داشتن لباسهایی که برای نمایش جنایات و مکافات به همراه داشتند، مورد سرزنش گمرک قرار میگیرند و بخصوص به او که کارگردان نمایش بوده به قول خودش گیر میدهند که اینها برای چیست و چه میخواهید بکنید، وقتی او گفته که کارگردان نمایش است از او پرسیده میشود: "نگر در ایران زن کارگردان هم داریم؟"

چیستا پترس فارغ التحصیل روانشناس تربیتی و دانشجوی دکتری روانشناسی است. این نویسنده، نمایشنامه نویسی، شاعر و مدرس دانشگاه آغاز کار نمایشنامه نویسی حرفه ای خود را از سال ۱۳۶۸ با نمایش "فره ا بهار است" شاید ... شروع کرد.



از وی در دوره های مختلف جشنواره تئاتر فجر به عنوان مختلف تقدیر شده است. چه به عنوان نمایشنامه نویسی، چه به عنوان کارگردان. وی عضو هیئت مدیره انجمن نمایشنامه نویسان خانه تئاتر ایران و مسئول کمیته ی بین المللی انجمن نمایشنامه نویسان و فارغ التحصیل روزنامه نگاری از بونیس است. چیستا پترس در جشنواره ادبی پروین اعتصامی که سال جاری برگزار شد، جایزه بهترین نمایشنامه را از آن خود کرد. او تاکنون حدود ۳۵ اثر تالیف و ترجمه خود را به چاپ رسانده است.

عنوان سخنرانی چیستا زنان و تئاتر امروز ایران بود. او در سخنانش به بررسی حضور فراگیر و خلاق زنان در عرصه تئاتر امروز ایران بویژه در نمایشنامه نویسی پرداخت. او میگوید: نمایشنامه نویسی زنان ایران در سالهای اخیر دچار تحول اساسی چه در مضمون و چه در ساختار شده که این تحول باعث ایجاد رویکردهای واقع گرایی نویسی در عرصه تئاتر کشور شده است. یکی از بانیان مهم این تحول، زنان نمایشنامه نویسی هستند. بررسی نمایشنامه نویسی زنان بدون بررسی افت و خیزها و تحولات جامعه ای که زنان نمایشنامه نویسی در آن قلم میزنند، ممکن نیست.

او همچنین به تغییرات شگرفی که در این ۸ ساله اخیر در زمینه نمایشنامه نویسی و تئاتر در میان زنان روی داده اشاره کرد و گفت: رشته نمایشنامه نویسی در دانشگاه را زنان بیشتر انتخاب میکنند چون تنها با یک قلم و در فضای خانه هم

روز دوم کنفرانس

روز دوم کنفرانس با خبری ناخوشایند آغاز شد. دکتر توکلی پشت تریبون فرار گرفت و اعلام کرد که شب گذشته خبر درگذشت مادر خانم شهلا و زیبا لاهیجی از ایران به آنان اطلاع داده شده و علیرغم این خبر ناگوار، آنها تصمیم گرفته اند که این کنفرانس که با زحمات بسیار ترتیب داده شده همچنان ادامه یابد.

دکتر توکلی ضمن عرض تسلیت به خانواده لاهیجی، برای احترام به یاد عزیز از دست رفته آنها یک دقیقه سکوت اعلام کرد.

در ادامه ساعت ۱۱ صبح میزگرد ادبیات داستانی در ایران امروز برگزار شد. در این میزگرد پرینوش صنیعی، مهناز عطارها (کریمی) و مهری یلفانی حضور داشتند و فرزانه میلانی گرداننده میزگرد بود.

خانم میلانی، مهری یلفانی را به عنوان اولین سخنران میزگرد معرفی کرد.

مهری یلفانی متولد همدان، مهندس برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران مدت بیست سال در وزارت نیرو، آب و برق خوزستان و سیما تهران کار کرد. در سال ۱۳۶۳ به خاطر تحصیل فرزندان خود به فرانسه و سپس به کانادا مهاجرت کرد.



اولین مجموعه قصه های کوتاه مهری یلفانی در سال ۱۳۴۵ به نام "روزهای خوش" و پس از پانزده سال داستان بلند قبلی از پاییز را منتشر کرد. مهری یلفانی کار نوشتن را در خارج از کشور به طور جدی دنبال کرد و دو مجموعه قصه کوتاه و دو رمان به زبان فارسی از او در خارج از کشور منتشر شد. همچنین رمان "رقص در آینه شکسته" توسط نشر نیلوفر در ایران و رمان "دور

گزارشی از کنفرانس ادبیات و خلاقیت هنری زنان در ایران معاصر سهم من آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمیگیرد

دنیانه از صفحه ۶۰

سنگین مسئولیت های اجتماعی را نیز بر دوش میکشید. معصومه که سبیل معصومیت زنان ایرانی است ۵۰ سال پیش با خانواده سنتی و مذهبی خود در ۱۲ سالگی از قم به تهران می آید و...



سخنران بعدی مهناز عطاردی (کریس) است. مهناز کریس متولد کاشان است او در جوانی چندساله حرفه خبرنگاری را تجربه کرد و در ۲۰ سالگی با چاپ رمان رقصی چنین مهناز کریس نویسنده شد. رمان سنج و صنوبر که سال ۸۲ به چاپ رسید بسیار مورد استقبال واقع شد و کاندیدای دریافت جایزه های مختلف در سال ۸۳ شده است.

رمان سنج و صنوبر حاجرای زنی ایرانی است که بیست و نهمی سال پیش از روستایی نزدیک کاشان به آمریکا می رود. این زن پس از حدود یک ربع قرن برای یافتن عشق دوران نوجوانی اش به ایران باز میگردد تا شاید برای پسر خوانده ی سیاه پرستش، پندری دست و پا شود. آمدن به زادگاه یعنی پرتاب شدن به نسلی های گذشته، یعنی رفتن به درون گردونه ی زمان، به سال ها پیش، عصر قاجار...

(متن کامل سخنرانی را در شماره های آینده شهریوند خواهید خواند) در پایان سخنرانی سخنرانان در میزگرد ادبیات داستانی در ایران امروز شرکت کنندگان به پرسش های حاضران پاسخ گفتند.

بعد از ناهار و استراحتی یک ساعته، کنفرانس با نمایش فیلم مستندی به کارگردانی مقدسیان به نام گفت و گو در مه ادامه یافت.

مشکلات و موانع مشارکت سیاسی اجتماعی زنان تنها به موانع و تبعیض های جنسی در قوانین حقوقی و سیاسی محدود نمی شود. بزرگترین مانع مشارکت سیاسی زنان، مسائل فرهنگی و زیستی است. آذر از منطقه روستایی هشنگرد سلمی از توابع استان قزوین برای شورای شهر انتخاب شده است. اما کدخدا که رئیس انجمن است از تشکیل جلسات به دلیل زن بودن آذر ظفره می رود. آذر که بهیار روستاست به هر دری میزند که کدخدا را حاضری شود یا او در جلسه شرکت کند ولی حاجی کمال (کدخدا) همه را رد میکند و میگوید در عمر هشتاد ساله من تا به حال رسم نبوده که مرد با زنی در جلسه بنشیند. امروز روستا معرق مانده، درختها در حال خشک شدن هستند و امر کانال کنی معطل مانده تا شورا تصمیم بگیرد و شورا همچنان عاجز از تصمیم گیری است زیرا کدخدا را حاضری نمی شود.

پس از نمایش فیلم آخرین سخنران لیلی فرهادپور، نویسنده و روزنامه نگار، سخنرانی خود را ایراد میکند.

لیلی فرهادپور دبیر سرویس ادب و هنر روزنامه هایی چون جامعه توس، نشاط، و عصر آزادگان بوده که همگی آنها ترقیب شده اند. وی همچنین عضو تحریریه نشریات تکاپو و جامعه سالم و روزنامه ی همبستگی و توسعه نیز بوده است.



فرهادپور در زمینه سرگیری نیز تجربیاتی داشته از جمله سرگیری ماهنامه های معیار و چاپ و انتشار و همچنین

سرگیری هفته نامه فمینیستی فکر روز

او اکنون کمتر به روزنامه نگاری مشغول است و بیشتر فعالیت خود را در زمینه ی ادبیات داستانی متمرکز کرده است. کتاب های لیلی فرهادپور عبارتند از: زنان برلین اروپایت روزنامه ایستی از زنان درگیر در ماجرای کنفرانس برلین، پنجره ای با شیشه های آبی رو به کوچه ی پستی (مجموعه داستان کوتاه) و شیشه های راه راه و شانه های سرری (رمان سیاسی اجتماعی).

موضوع سخنرانی فرهادپور زنان و روزنامه نگاری در ایران بود. او ضمن اشاره به تاریخچه ای از زنان روزنامه نگار، به زمان حال رسید و روزنامه ها و ماهنامه های زنان را پس از انقلاب با ذکر خلاصه ای از مشخصات آنها برشمرد. وی در مورد سخنرانی اش میگوید: هدف این مقاله بررسی نقش های جنسیتی زنان در رویارویی با حرفه روزنامه نگاری به عنوان یک شغل در دوران کنونی ایران است که با گاهی به ویژگی های این حرفه به عنوان یک ابزار دسترسی و کنترل قدرت، انجام گرفته است.

این تحقیق با این فرضیه شکل میگیرد که روزنامه نگاری در ایران مخصوص در مقطع کنونی، به علت ویژگی های خاص این حرفه و جایگاه سیاسی آن، از دایره یک حرفه معمولی خارج شده و ویژگی های خاصی به آن تحمیل شده است و به همین دلیل هر روز است به دیروز پیچیده تر میشود. به نظر میرسد این پیچیده شدن، منجر به پیچیدگی رویکرد در نقش های جنسیتی زنان روزنامه نگار در این حرفه نیز شده است.

(متن کامل سخنرانی را در شماره های آینده شهریوند خواهید خواند) پایان بخش کنفرانس در روز یک ساعت پرسش و پاسخ دو سوه بود که برای این منظور شهلا لاهیجی و فرزانه میلانی از میان مهمانان و ویکتوریا طهماسبی و لیلی پورزند از برگزار کنندگان و حاضران در جلسه پشت تریبون قرار گرفتند.

بحث کلی محور مفید بودن برگزاری چنین جلساتی دور میزد. از میان جمع تعدادی اظهار داشتند که تا قبل از حضور این زنان، آنها تصور دیگری از زنان و فعالیت هایشان در ایران داشتند و حال با این سخنان ذهنیت آنها تغییر کرده است. بسیاری نیز از سخنرانان به خاطر ارائه خوب و مفید در زمینه موضوعات مورد سخنرانی شان تشکر کردند.

تعدادی از حاضران در جلسه به نبود دیدگاههای متفاوت در میان سخنرانان اشاره کرده و انتقاد داشتند. یکی از حاضران عدم حضور زنان برجسته در حوزه مطالعات زنان که در تورنتو ساکن هستند، در این کنفرانس و ناشی از همین موضوع دانست.

در پاسخ به این انتقاد که چرا زنان فمینیست شناخته شده و فعال در ایران در این کنفرانس حضور ندارند، شهلا لاهیجی تأکید کرد که این کنفرانس مطالعات زنان نبوده بلکه بر روی ادبیات و خلاقیت های هنری تمرکز داشتند اگر موضوع مطالعات زنان بود قطعاً باید دیدگاه منتقدان در نظر گرفته میشد.

و سرانجام ساعت شش بعد از ظهر یکشنبه کنفرانس پایان گرفت گرچه تا ساعت پس از آن نیز در راهرو گروه های چندتقره به کپ و گفتگو مشغول بودند و دلشان نمی آمد با ترک



چهارمین سخنران مهناز عطاردی (کریس) است. مهناز کریس متولد کاشان است او در جوانی چندساله حرفه خبرنگاری را تجربه کرد و در ۲۰ سالگی با چاپ رمان رقصی چنین مهناز کریس نویسنده شد. رمان سنج و صنوبر که سال ۸۲ به چاپ رسید بسیار مورد استقبال واقع شد و کاندیدای دریافت جایزه های مختلف در سال ۸۳ شده است.

محل، نقطه پایانی بگذارند بر ساعات شیرین و پر باری که در این دو روز داشتند.

در حاشیه کنفرانس، نمایشگاه کتاب برگزار بود. با عنوان هفته زن ایرانی، کتابهایی که با زحمت مهمانان ایرانی با خود آورده بودند، در میان آثار عرضه شده این اساسی به چشم میخوردند:

کرنلی کنار آتش، انگار گفته بودی لیلی، طلسم، چراغ ها را من خاموش میکنم، هولاً... هولاً، مادمازل کنی، عطر نسکافه، هنگامه ی سپیده دم، بعد از آن شب دعوت با پسته سفارشی، پرده من، آفتاب، مهتاب، دو دنیا، پاره کوچک، خواب های سرری، سنج و صنوبر، شعیبه و طلسم، هتل غروب، زنان مهتابی، مرد آفتابی، سلام خانم جلیفر لوز، فصل زنان ۴، مسافرت، نشریات ویژه زنان، حکایت دختران قویان، پرده نشی، شب هزار و یکم، ریشه یابن درخت کهن، حقایق درباره لیلی، دختر ادیسون

در یک جمع بندی کلی میتوان گفت پیام زنان سخنران این کنفرانس و همچنین فیلم های مستند نمایش داده شده امید بود. گرچه اخبار و آمار همه از ناسامانی ها حکایت دارد. از هر کسی چه در درون و چه بیرون ایران در مورد وضعیت زنان پرسش میتوانستیم از مصیبت ها و فجایعی که بر آنان میروند بشماره، آمار فحشاء، اعتیاد، خودکشی، قتل، فقر، دختران فراری و... ایستنی که پس از شنیدن انرژی ات تمام میشود و فکر میکنی هیچ کاری نمیتوان کرد. این اقیانوس بدبختی را چگونه میتوان خشکاند. اما وقتی چنین زنانی را مبینی که در همان اقیانوس دست و پا میزنند و نه تنها خود که خیال دارند دیگران را هم نجات دهند، جان میگیری و فکر میکنی میتوان کاری کرد، اگر سارا در روستای بزین کاری میکند، اگر زینت در روستای سلخ، آذر در هشنگرد و شهلا و زیبا لاهیجی، فریوه صابر، چیتا پیرس، لیلی فرهادپور، پریشوس صیغی، نوشین شاهنده، مهناز کریس و بسیاری دیگر در تهران و شهرستانها کار میکنند، پس تو هم میتوانی کاری کنی و سهم من را از جامعه طلب کنی.

زنان میخوانند بگویند اگر زمانی فروغ خوانند:

سهم من اینست

سهم من اینست

سهم من

آسمانیست که آویختن پرده ای آن را از من نمیگیرد

سهم من پایین رفتن از یک پله متروکت

و به چیزی در پوسیدگی و غربت واصل گشتن

سهم من گردش حزن آلودی در باغ خاطره هاست.

آنها میخوانند یا صدای رسا بگویند سهم من آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمیگیرد.

به خانم شهلا لاهیجی و همراهان عزیزشان آن چه من از فمینیسم میدانم



مهری یلفانی

فمینیسم را وقتی شناختم که هنوز این کلمه به گوشم نخورده بود. وقتی که کودکی شش هفت ساله بودم و به خاطر دکماتیسم مذهبی از مدرسه رفتن محروم شده بودم. در خانواده ای مادرسالار، مادرم به خاطر توبه از گناهش که در دوره کشف حجاب مجبور شده بود، بی چادر و روبنده به خیابان برود، میخواست مرا از تحصیل محروم کند. مادرم خود به مدرسه رفته و چند کلاس درس خوانده بود تا او را از سر کلاس به خانه شوهر فرستاده بودند. من دخترکی شش هفت ساله بودم که دو برادر بزرگترم به مدرسه میرفتند، که بسیاری از دختران هم سن و سالم در محله مان و در میان اقوام به مدرسه میرفتند و من نباید میرفتم. در همان زمان بود که این پرسش در ذهنم به وجود آمد که چرا من نباید از امتیاز مدرسه رفتن محروم باشم و چرا من باید با برادرانم فرق داشته باشم.

بازی، من به یاری زنی بی سواد که در خانه مان کار میکرد و دختر همسایه مان که آموزگار بود و صوفقت پدرم، در غیاب مادرم که برای دیدن خاله ام به ده رفته بود در مدرسه نام نویسی کردم و وقتی مادرم از ده برگشت، من شاگرد کلاس اول بودم و در همان دو هفته چند نمره بیست گرفته بودم. مادرم نه فقط پدر و ننه پیرمان را سرزنش کرد بلکه مرا هم از مدرسه رفتن محروم کرد و همراه دختر همسایه مان که او نیز قریانی پدر و مادری متعصب بود و به مدرسه نرفته به مکتب فرستاد تا قرآن خواندن یاد بگیریم و برای آموزش روحشان (روح همگی شان شاد باد) قرآن بخوانیم. اما دیگر دیر شده بود. معیار و آموزگار مدرسه به سراغ من فرستادند و مرا دوباره به دبستان برگرداندند. بد نیست این را هم بگویم که مادر من که روزی از مدرسه رفتن من جلوگیری میکرد، به چنان تفکری دست یافت که بعدها همیشه به من و خواهرم که از من کوچکتر بود، میگفت: اول کار پیدا کنید و بعد شوهر کنید. (این داستان کوتاه در کتاب «کسی می آید» به تفصیل آورده شده است.)

آری من فمینیسم را وقتی شناختم که چنین کلمه ای را نشنیده بودم و تصویری از مفهوم آن نداشتم. وقتی که دیدم بین چهار برادر از هیچ کدامشان از لحاظ قابلیت های جسمی و ذهنی چیزی کم ندارم، بی بردهم که نباید بگذارم حق و توانایی ام پایمال شود. در کنکور دانشگاه ها که در آن زمان هنوز کنکور سراسری نبود و هر دانشکده کنکور خاص خود را داشت، در رشته های فنی و پزشکی و علوم قبول شدم و فنی را انتخاب کردم برای آن که میخواستم نشان بدهم که همانند برادر دیگرم که او نیز فنی را انتخاب کرده بود، میتوانم مهندس بشوم. در این راه سرزنش بسیاری شنیدم، و بسیاری مرا دیوانه به حساب آوردند، و راستی هم دیوانگی بود. در آن زمان زندگی یک پزشک به مراتب تاسمین تر و مرفه تر و از لحاظ اجتماعی از وجه بهتری برخوردار بود تا یک مهندس زن. از جمله یکی از دیرانم وقتی شنیدم، بین پزشکی و فنی، فنی را انتخاب کردم، به مسخره گفت: چطور میخواهی از تیر چراغ برق بالا بروی؟

از این مقدمه کوتاه قصد خودستایی نداشتم که این وصله به من نسبیست. میخواهم به دوستانی که فمینیسم را در جنلات قصار و پیچیده و پهنج دانشگاهی و به قول خودشان آکادمیک تعریف میکنند، بگویم که اگر کلمه فمینیسم، یک کلمه لاتین و فرانسوی و یا انگلیسی است، مفهوم آن جهانی است این مفهوم میتواند در اقصی نقاط جهان، در همان دهی که سارا زندگی میکرد و یا آن ده دور افتاده جزیره قشم که زینت و یا در دهی در رودبار اتفاق بیافتد. مگر مفهوم فمینیسم تساوی حقوق زن و مرد نیست؟ مگر فمینیسم شناسایی حقوق انسانی نیست؟ پس دیگر چه جای بحث و گفتگو آیا فمینیسم باید فقط به زبانی پیچیده و استعاره و با اشاره فمینیست های مشهور اروپایی و آمریکایی معنی و تفسیر شود؟ زنانی که در ایران با کمترین امکانات کار میکنند و در محیط و فضای زندگی خود تاثیر میگذارند و کلمه فمینیسم هم به قول خانم لاهیجی به گوششان نخورده، مفهوم فمینیسم را ارائه نمیدهند؟ بیایید کسی از برج عاج دانشگاه ها که صدایشان فقط به گوش معدود آدمهای دور و برشان میرسد، پایین بیاییم و به میان مردم عادی برویم و کارشان را ارج نهیب دانشگاه ها به جای خود، تلاش و کارشان در رابطه با تحقیقات و مطالعاتشان قابل ارج است. بیایید این تحقیقات را به میان مردم ببریم و با زبان آنها حرف بزنیم.

و اما سخن کوتاهی هم با آن دسته از هنرمندان و شاعران و نویسندگان و اهلی ادب که زحمت شرکت در برنامه را به خود ندادند. باید گفت که واقعا جای

سهم من اینست
سهم من اینست
سهم من

آسمانیست که آویختن پرده ای آن را از من نمیگیرد
سهم من پایین رفتن از یک پله متروکت
و به چیزی در پوسیدگی و غربت واصل گشتن
سهم من گردش حزن آلودی در باغ خاطره هاست.

آنها میخوانند یا صدای رسا بگویند سهم من آسمانی ست که آویختن هیچ پرده ای آن را از من نمیگیرد.